

نقش سیاسی خرم سلطان سوگلی سلیمان قانونی در دربار عثمانی^۱

دکتر محمد تقی امامی^۲

چکیده

در این مقاله سعی شده حرم سراها در امپراتوری عثمانی، زندگی و نقش زنان حرم سرا، چگونگی ورود، و ازدواج آن‌ها با سلاطین عثمانی، و نقش خرم سلطان از موقع اسارتش به دست تاتارهای کریمه و ورودش به حرم سرای سلطان سلیمان قانونی که به علل مختلفی همچون هوش، زیبایی و جذابیت به صورت سوگلی سلطان سلیمان در آمد، و با استفاده از علاقه سلطان سلیمان و کسب قدرت در دربار برای تأمین جانشینی فرزندانش، و این موضوع که به اتفاق دختر و دامادش دست به دسیسه‌هایی زد که در نهایت سرنوشت شومی را برای دربار عثمانی به بار آورد، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خرم سلطان، سوگلی سلطان سلیمان قانونی، نقش سیاسی او، دربار عثمانی،

حرم سرای سلطان سلیمان قانونی

۱. پژوهش‌های متعددی پیرامون ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و دیپلماتیک امپراتوری عثمانی، به عمل آمده است. اما تا کنون کم‌تر نگاهی تحلیلی به اوضاع درونی دربار سلاطین عثمانی و به ویژه حرم سراها صورت گرفته است.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

حکم رانی سلطان سلیمان قانونی در تاریخ امپراتوری عثمانی از دیدگاه سیاسی ، اقتصادی ، هنر ، ادبیات ، معماری ، هم چنین وجود شخصیت های درخشانی نظیر معمارسانان ، پیری رئیس ، باقی بارباروس و ابوسعود ، دوره ای آرمانی در امپراتوری عثمانی به حساب می آید (OZTUNa ، ۱۹۹۹ : ۸۶). حکام اولیه عثمانی تا اوایل قرن شانزدهم میلادی با دختران حکام و شاه زادگان ازدواج می کردند. غیر از این ها ، زنانی نیز به نام اودالیق داشتند ؛ به طوری که عثمان غازی بنیان گذار حکومت عثمانی با دختر شیخ اده بالی ، از شیوخ بزرگ اخیان ، به نام بالا خاتون ازدواج نمود . فرزندش اورهان نیز با نیلوفر ، دختر حاکم رومی یارحصار ، هم چنین با اسپروجا (ASPORCa) ، دختر اندره نیکسون سوم امپراتور بیزانس و تئودورا (ماریا) دختر کونتاکوزن ششم امپراتور بیزانس ، فرزندش مراد اول با تامارا خواهر پادشاه بلغارستان ، فرزندش بایزید اول با دولتشاه خاتون ، دختر سلطان ولد چلبی ، نوۀ مولانا جلال الدین رومی و ماریا دسپینا ، دختر پادشاه حرب ، حافظه سلطان ، دختر امیرنشین آیدین ، ازدواج نمودند (ULUCAy ، ۲۰۰۱ : ۸-۳).

هم چنین ، پادشاهان عثمانی تا قرن شانزدهم ، هم ازدواج نکاحی و هم جاریه داشتند؛ ولی از زنان سلطان سلیمان قانونی ازدواج بیشتر با خاندان حکام آناتولی ، رؤسا و اسقفان مسیحی و با دختران هدیه شده به دربار ، متداول گردید (UZUNCaRSiLi ، ۱۹۸۸ : ۱۴۷). ورود به حرم سرای دایرۀ زنان ممنوع بود که تحت نظارت محافظان سیاه پوست اداره می شد. در قسمت اندرون دربار حرم همایون قرار داشت که جاریه ها و زنان زیباروی از نژادهای مختلف در آن جا زندگی می کردند. این زنان زیباروی به وسیلۀ امین گمرگ خریداری و یا به وسیلۀ رجال و امرای ایالت ها به صورت انتخابی به دربار فرستاده می شدند ، که پس از معاینه به وسیلۀ یک متخصص زنان و آموزش دادن آیین و ارکان اسلامی و یادگیری نوشتن ، خواندن ،

موسیقی ، رقص ، آواز و دوخت و دوز وارد دربار می شدند که به بزرگ ترین زنان دربار قادین گفته می شد.

اگر یکی از دختران جوان زیبا روی نظر شاه را جلب می کرد ، به او عنوان خاصگی خونکار(خداوندگار) داده می شد (همان جا). هنگامی که یک زوج ترفیع پیدا می کرد ، پس از بوسیدن دامن شاه ، به او پوستینی از سمور ، اتاق مخصوص ، و معاش ماهانه از دربار داده می شد. در میان خاصگی ها چهار الی شش نفر که مورد توجه شاه بودند ، مقدم بر دیگران می شدند و عنوان قادین دریافت می کردند (پورگشتال ، ۱۳۶۷:). به قادین های شاه عنوان قادین افندی یا خاصگی می گفتند. اگر فرزند دختر یا پسر به دنیا می آوردند ، به آن ها خاصگی سلطان لقب می دادند و یک تاج کوچک پر از جواهرات قیمتی بر سرش می گذاشتند(همان : ۱۵۲). با مرگ پادشاه ، بیه های او که دارای فرزند بودند ، از طرف پادشاه جدید ، در صورت تمایل ، با دولت مردان ازدواج می کردند(OZTUNA ، همان : ۳۰۱).

از خاصگی های حادثه ساز ، و در عین حال خیر دربار عثمانی ، خرم سلطان ، سوگلی سلیمان قانونی بود ، که او را با ملیت های مختلف ذکر می کنند ، ولی اکثر منابع به روسی بودن او تکیه دارند ؛ زیرا او به دست تاتار های کریمه در حوالی رودخانه دنی ستیر به اسارت درآمد ؛ پدرش یک کشیش بود. در منابع غربی به روزا و روکسلانا مشهور است . چون قبل از رسیدن فرزندش سلیم دوم وفات نمود ، به عنوان مهد علیا (والده سلطان) مفتخر نگردید ، ولی به علت به دنیا آوردن فرزندان برای شاه و دریافت عنوان ملکه از سلطان سلیمان ، به لقب خاصگی سلطان مفتخر گردید و به عنوان خاصگی در رأس زنان پادشاه قرار گرفت . به علت داشتن قیافه شاد و خندان لقب فارسی خرم سلطان به او داده شد.

بالیوسوی ونیزی می نویسد خرم سلطان خیلی زیبا نبود ، ولی زنی شیرین و بسیار جذاب بود . او با اندامی ظریف و سفید چهره ، همیشه لباس آراسته می پوشید و غیر

از زبان روسی به ادبیات دیوانی ترکی نیز آشنایی داشت (SAKAOgLU ، ۲۰۰۸ : ۱۶۲). شمس الدین سامی می نویسد خرم سلطان فرزندانان نظیر سلیم دوم ، بایزید و مهرماه سلطان داشت ؛ در اصل از اسرای روس بوده ، به علت حسن جمال ، عقل و درایت ، اقتدار زیادی در دربار عثمانی کسب نمود (SaMi ، ۱۳۰۸). ماه خرم سلطان از میان زنانی که در سلطنت طولانی سلطان سلیمان با او شریک زندگی شدند ، سه نفر به نام های اوران، گل فام ، و خرم سلطان ذکر می شود.

سلیمان قانونی قبل از خرم سلطان زن مورد علاقه اش گل بهار ، مادر شاه زاده مصطفی بود ، ولی سایر فرزندانش به نام های جهانگیر ، سلیم ، بایزید ، و دخترش مهر ماه از خرم سلطان بودند . در این تاریخ سه زن با نفوذ در دربار قانونی وجود داشتند ، که مهم ترین این ها والده سلطان ، مادر قانونی و زن سلطان سلیم بود ، که تا مرگ خود در سال ۱۵۳۴م موازنه قدرت را در دربار قانونی در دست داشت . خرم سلطان تا این تاریخ نفوذ زیادی در دربار نداشت ، ولی مرگ حافظه سلطان ، مادر سلیمان ، موجب افزایش قدرت خرم سلطان و پیدا شدن یک رشته از حس ها در او گردید (HAMiDaNiSMENd ، ۱۹۷۱ : ۱۸۸).

بعد از این تاریخ ، نقش خرم سلطان در سیاست داخلی و خارجی عثمانی در زمان پادشاه مقتدری نظیر سلیمان قانونی را می توان مشاهده نمود . او پس از آن که سلیمان قانونی را شریک عشق خود نمود ، برای بیرون راندن سایر رقبای خود در حرم سرا ، نظیر گل فام ، گل بهار ، و ماه دوران ، مجادله زیادی انجام داد. او برای جلب توجه قانونی، با توجه به آشنایی اش به ادبیات دیوانی ترک ، در سفرهای طولانی مدت سلیمان قانونی به هنگام جدا ماندن از او ، با نوشتن نامه های محبت آمیز و به کار گیری جملاتی نظیر «بنیم جانیم گونولدن سوگلی شاهیم ، روح روانیم» (ترجمه : جان من ، روح و روانم ، شاهی که از صمیم قلب دوستش دارم) ، عشق و علاقه سلیمان قانونی را بیش از پیش به سوی خود جلب می نمود و قانونی به اندازه

ای به او علاقه پیدا نمود که او را همسر نکاحی خود نمود، عنوان خاصگی سلطان به او عطا کرد و مهریه ای برای او تعیین نمود، و با این کار عادات و رسومات سلاطین قبل از خود را به هم زد؛ زیرا سلاطین عثمانی، پس از شکست بایزید از تیمور و اسارت زنش به دست تیمور، ازدواج نمی کردند (SaKaOgLu، همان: ۱۷۰). انتقال دربار عثمانی از محل قدیمی به توپ قاپو سرای و نقش خرم سلطان برای نزدیکی بیشتر به سلیمان قانونی در راستای سیاستش ذکر می شود. در این کاخ جدید کلیه امکانات عبادی، رفاهی، بهداشتی، با راه های ارتباطی منافی برای زنان و شاه زادگان وجود داشت (همان جا).

خرم سلطان در نقش سوگلی سلطان در کارهای سیاسی و دیپلماتیک کمک سلیمان قانونی بود، به طوری که در پناهنده شدن دو شاه زاده، برهان عالی از شیروان شاهان و القاص میرزا پسر شاه اسماعیل صفوی از ایران، برای دریافت کمک نظامی به منظور تصاحب تاج و تخت، خرم سلطان در نقش مادر به این دو شاه زاده پناهنده محبت نمود؛ به خصوص هدایای شاهانه ای نظیر پیراهن های اعلا که به دست خود دوخته بود، با دستمال های ابریشمی به القاص میرزا داد (SaKaOgLU، همان: ۱۷۱؛ پارسادوست، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

بعد از انعقاد صلح آماسیه میان شاه تهماسب و قانونی برای بقای دوستی مکاتبات زیادی میان ایران و عثمانی ردّ بدل گردید؛ مثلاً در افتتاح مسجد سلیمانیه، هیئت بزرگی برای تبریک از طرف شاه تهماسب به ریاست تبت آغا با هدایای مختلف به استانبول فرستاده شد. این هیئت غیر از نامه شاه تهماسب به سلیمان قانونی، نامه ای از محمد خدابنده به رستم پاشا صدراعظم عثمانی و سلطان بیگم خواهر شاه تهماسب، که عموماً مورد مشورت شاه تهماسب بود، به خرم سلطان سوگلی سلطان سلیمان، در مورد ارسال قالی و تعیین اندازه و رنگ آن ها، برای مسجد سلیمانیه را نیز به همراه داشت (امامی، ۱۹۸۴: ۲۸؛ پارسا دوست، همان: ۲۴۴).

کلاً می‌توانیم بگوییم از زمان سلیمان قانونی تحرکات زنان در دربار عثمانی آغاز گردید. زنان دربار با استفاده از علاقه سلاطین و کم سن بودن شاه زادگان، از والده سلطان گرفته تا سایر زوجات، اعمال نفوذ خود را در عزل و نصب ها و ولخرجی ها آغاز نمودند، که خرم سلطان خاصگی قانونی در رأس، وساتیه زوجه و نیزی سلطان مراد سوم، و کوسم سلطان خاصگی رومی سلطان احمد اول، که برای حفظ اقتدار خود از مرگ فرزند و مسموم نمودن نوه اش نیز خود داری نکرد، این راه را ادامه دادند (T.T.T، ۱۹۳۳: ۳/۱۱۸). از هشت پسر قانونی - مراد، محمد، عبدالله - در سن کوچکی وفات نمودند. از پنج فرزند باقی مانده، محمد نیز در سال ۱۵۴۳م با اجل طبیعی درگذشت. سلطان سلیمان از چهار پسر خود، به نام های مصطفی، سلیم، بایزید و جهانگیر، دوست دار جانشینی فرزند بزرگ و شجاع خود شاه زاده مصطفی از زوجه اولش ماه دوران بود. خرم سلطان نیز در صدد به دست آوردن جانشینی سلطنت برای فرزندان خود، ابتدا به بایزید و بعد سلیم، بود و هدف او از گشودن سفر قانونی به ایران، گذاردن یکی از فرزندانش در مقام قائم مقامی پدر و تثبیت جانشینی برای یکی از فرزندانش بود؛ لذا، دسایس خود را در راستای این سیاست آغاز نمود.

رقیب اصلی فرزندان سلیمان در جانشینی، شاه زاده مصطفی بود، که به علت تمایلات پدر و داشتن مزیت های درخشان اخلاقی، هم چون صداقت، جدیت، فضل و کمالش و نفوذ در میان اردو، جانشینی فرزندان او را در سایه قرار می داد، طراحی نمود (چارشلی: ۱۳۷۰: ۱/۴۰۹). اولین دسیسه اش قتل وزیر اعظم ابراهیم پاشا و خفه کردن همسر او خدیجه سلطان و سرانجام ولدش محمد انجامید (روملو، ۱۳۴۲: ۳۷۲). زیرا وزیر اعظم از طرف داران جانشینی شاه زاده مصطفی بود. سپس، به اتفاق دخترش مهرماه و دامادش رستم پاشا برای بر طرف نمودن رقیب اصلی فرزندش، شاه زاده مصطفی شایعه قصد ازدواج او را با دختر شاه تهماسب صفوی و

تصاحب تاج و تخت پدر را رواج داد، زیرا با رسوم متداول شده از زنان سلطان محمد فاتح در صورت پادشاهی شاه زاده مصطفی فرزندان او به قتل می رسیدند (پارسا دوست، همان: ۱۷۴ و ۱۷۵)؛ لذا شاه زاده مصطفی به دستور پدرش سلیمان قانونی در ارکلی به قتل رسید (روملو، همان جا). جهانگیر فرزند کوچک قانونی نیز به علت ناراحتی از قتل برادرش، پس از پنجاه و یک روز از شدت ناراحتی وفات نمود (احمد رشید، ۱۳۲۷: ۲۸۵). در این سفر نامیون سلیمان دو فرزند خود را از دست داد و ترس از شورش ینی چری ها از قتل شاه زاده مصطفی پس از برکناری رستم پاشا صدراعظم در صدد قتل او برآمد (هامر، ۱۳۶۷: ۲/۱۲۳۲). وی با وساطت خرم سلطان از مرگ نجات یافت و بعد از قتل قرا احمد به تحریک خرم سلطان، دوباره به مقام صدراعظمی رسید (چارشلی، همان: ۲/۶۳۳؛ ULUCAy، ۲۰۰۱: ۳۵؛ هامر، همان: ۲/۱۲۳۲).

خرم سلطان ابتدا طرف دار جانشینی فرزندش بایزید بود؛ لذا، به اتفاق دخترش مهرماه و دامادش رستم پاشا به نفع او جبهه گیری نمودند. سلیم دو سال از بایزید بزرگ تر بود با موهای زرد، قیافه اش شبیه مادرش بود، مردی خوش گذران و شیفته مشروبات الکلی بود و به ساری سلیم (سلیم زرد) مشهور بود (دائرة المعارف، ماده خرم سلطان). او شاه زاده ای مبارز و تأمین کننده نیاز آن روز جامعه عثمانی نبود، ولی بایزید یک روشن فکر و قیافه اش شبیه پدر بود و شخصیت جدش سلطان سلیم را داشت. او در کارهای خود، قلم و شمشیر را با هم به کار می گرفت. بعد از قتل شاه زاده مصطفی، تنها امید اردو به بایزید بود؛ ولی مرگ خرم سلطان باعث گردید که بایزید بزرگ ترین حامی خود را در دربار از دست بدهد (همان جا).

دو برادر برای تصاحب تاج و تخت در دشت قونیه در مقابل هم قرار گرفتند که منجر به شکست بایزید گردید. لذا، او با نیروی دوازده هزار نفری همراه خود به اتفاق چهار فرزندش به ایران پناهنده گردید (DANiSMENd، ۱۹۷۱: ۲/۳۱۳). نامه

های عذر خواهی بایزید نیز از پدرش با دسیسه لالامصطفی که قبلاً در التزام بایزید بود و بعد متوجه سلیم شده بود، به دست پدر نرسید (چارشلی، همان: ۴۷۱)؛ لذا، با درخواست سلیمان قانونی، شاه تهماسب پناهندگان را تحویل فرستادگان عثمانی داد که پس از قتل بایزید و چهار فرزندش، اجساد آن‌ها به استانبول منتقل شد و در سیواس دفن گردید (ثابتیان، ۱۳۴۳: ۱۳۳؛ مهدوی، ۱۳۴۹: ۲۱؛ چارشلی، همان جا). گسترش امپراتوری، تأمین امنیت و انباشت ثروت، تأمین رفاه جامعه و آغاز تحولات دنیای غرب در دوران سلیمان قانونی را می‌توانیم نقطه اوج و عظمت عثمانی و در عین حال پیداشدن نشانه‌های ضعف در امپراتوری عثمانی قلم داد کنیم. قدرت‌گیری زنان در دربار و دخالت آن‌ها در انتخاب و انتصاب مشاغل، متداول شدن رشوه‌گیری در واگذاری مناصب و اراضی دولتی، باعث شتاب‌گیری ضعف عثمانی گردید (ترک، ۱۹۳۳: ۶۱).

دسیسه‌های شروع شده در زمان سلیمان قانونی به وسیله خرم سلطان با هم دستی دخترش مهرماه و دامادش صدراعظم رستم پاشا، به قتل دو صدر اعظم و شاه زاده مصطفی و وفات شاه زاده جهانگیر و ایجاد نفاق میان دو فرزندش بعد از خود و نیز کشته شدن یکی از آن‌ها به نام بایزید و چهار فرزند سلیمان قانونی، انجامید. مجلل‌ترین و باشکوه‌ترین مراسم سنت که دنیای آن روز چنین مراسمی هرگز به یاد ندارد، بر ایشان برگزار گردید؛ آن‌ها به چنین سرنوشت دردناکی دچار شدند (HAFiZMehmed، ۲۰۰۸: ۲۷؛ DANiSMENd، ۱۹۷۱: ۱۷۹).

خرم سلطان در منابع مختلف هم با خیرات و هم با دسیسه‌هایش ذکر می‌شود. او نزدیک به سی و هشت سال با سلیمان قانونی زندگی کرد. تنها در سفرهای طولانی مدت سلیمان، آن‌ها از هم جدا می‌ماندند. خرم سلطان به اتفاق همسرش قانونی، دخترش مهرماه و دامادش رستم پاشا، بناهای عام‌المنفعه زیادی احداث نمودند. می‌توان گفت از میان زنان سلاطین عثمانی هیچ کدام به اندازه خرم سلطان آثار خیر

از خود به جای نگذاشته است. بناهای احداثی او شامل مسجد، مدرسه، راه، چشمه، حمام، دارالشفاءاند، که در عثمانی به بناهای خیریه خاصگی سلطان مشهور بودند. سلیمان قانونی نیز برای اداره این اماکن خیریه املاک و مزارع زیادی به او واگذار نمود که وقف این اماکن خیریه گردیدند.

سلیمان قانونی بعد از مرگ خرم سلطان در بازار عررت استانبول بناهای عام المنفعه زیادی به نام خاصگی سلطان احداث نمود، از جمله احداث دارالایتام در مدینه، که هر روز صد ها نفر از فقرای مکه و مدینه در آن جا پذیرایی می شدند؛ او هم چنین، چشمه های آب زلال در شهر ادرنه به یاد همسرش جاری نمود (Pecevi، ۱۹۸۱: ۴۲۵)، و اشعاری نیز با تخلص «محبی» برای سوگلی اش خرم سلطان سروده است:

سورما عاشقین حالینی مجنوناً بیردیوانه دیر - آپماعشقیین سیرینی فرهادکیم افسانه دیر
(DANiSMeNd، همان جا).

سؤال نکن حال عاشق را از مجنون، که اودیوانه است سرعشق اورابازنکن، که همچو فرهاد افسانه است

نتیجه گیری

روزا، روکسلانا، قادین، خاصگی سلطان، سوگلی مورد علاقه سلطان سلیمان قانونی، پس از ورود به حرم سرا، به علت داشتن هوش، ذکاوت و جذابیت، نظر سلیمان قانونی را به خود جلب کرد و به صورت سوگلی و سپس زن نکاحی قانونی درآمد. او با استفاده از علاقه قانونی به خود، تمام معیارهای حرم سرای عثمانی را به هم زد.

وی، پس از، از میان برداشتن رقبای حرم سرا و کسب قدرت، در صدد نابودی رقبای جانشینی فرزندانش برآمد؛ زیرا او می دانست با فرامین متداول شده در عثمانی از زمان سلطان محمد فاتح، فرمان روای جدید برای حفظ تمامیت ارضی امپراتوری می توانست تمام برادران خود را به قتل برساند؛ لذا، او با دسیسه هایش موفق شد همه موانع سر راه جانشینی فرزندانش را، اعم شاه زادگاه، صدراعظم ها و دولت مردان، از میان بردارد؛ و در نهایت، بعد از مرگ و واگذاری خیرات و میراث زیادی از خود، سرنوشت غم انگیزی را برای دربار عثمانی به جا بگذارد.

کتابنامه

الف) فارسی

۱. امامی خوئی ، محمد تقی . ۱۳۸۴ ، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی* ، مشهد، ش ۸-۷.
۲. پارسا دوست ، منوچهر . ۱۳۸۱ ، *شاه طهماسب اول* ، تهران ، انتشار.
۳. پور گشتال ، هامر . ۱۳۶۷ ، *تاریخ امپراتوری عثمانی* ، ترجمه میرزا زکی علی آبادی ، به اهتمام، جمشید کیان فر ، تهران ، زرین.
۴. ثابتیان ، ز . ۱۳۴۳ ، *اسناد و نامه های تاریخی دوره صفویه* ، تهران ، ابن سینا.
۵. چارشلی ، اوزون و اسماعیل حقی . ۱۳۷۰ ، *تاریخ عثمانی* ، ترجمه وهاب ولی ، ج ۲ ، تهران ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. رشید ، احمد . ۱۳۲۷ ، *تاریخ عثمانی* ، استانبول.
۷. روملو ، حسن . ۱۳۴۲ ، *احسن التواریخ* ، تصحیح چارلس نارمن سیدن ، شمس.
۸. سامی ، ش . ۱۳۰۸ ، *قاموس الاعلام* ، ج ۳ ، استانبول.
۹. مهدوی ، هوشنگ . ۱۳۲۷ ، *تاریخ روابط خارجی ایران* ، تهران ، امیرکبیر.

ب) ترکی استانبولی

1. TARİH , III , yENİ VE yAKİN ZAMANLAR , T.T.T , CEMİYETİ TARAFINDAN yAZIL MiSiMiSTİR , Istanbul , 1933.
2. UZUNCARSiLi , iSMAiL HAKKi , OSMANLI DEVLE TiNiN SARAY TESKiLATi, TÜRK , TARİH KURUMU ANKARA , 1988.
3. M.C AGATAY ULUÇAY , PADİSAHLARİN KADİNLARİ VE KİZLARİ , TURK TARİH KURUMU , ANKARA , 2001.
4. SAKAOGLU , NECDET , BU MÜLKÜN KADİN SUL TANLARI , ISTANBUL , 2008.

5. HAMi DANiSMEND , iSMaiL , IZAHLi OSMANLi TARIHi KROVOLOJiSi .C.2 . Istanbul , 1971.
6. OZTUNa , YiLMAZ , TURKTA RiHiNDEN YAPRAKLAR , ISTANBUL ,1999.
7. PEÇEVi , iBRAHiM EFeNDi , PEÇEVi TARIHi , 1 , KüLTÜR BAKANLi Gi , ANKARA , 1981.
8. ANADOLU , UYGARLiKLARi , ANSiKLOPEDiSi C.4.GOR SEL YAYiNLAR , TURKiYE , 1982.
9. HAFiZ MEHMED EFeNDI 1720 , SEHZADELERIN , SüNNET DüGüNü , SEYiT Ali KAHRAMAN , KiTAPYAYiNeVi , 2008.